

رشد هزینه‌های عمومی دولتها*

مترجم: هوشنگ صمیمی زاد

اطلاعات صندوق بین‌المللی پول نشان می‌دهد که رشد هزینه‌های عمومی از رشد واقعی اقتصادی پیشی گرفته است

براساس اطلاعات** صندوق بین‌المللی پول، مندرج

در کتاب سال آمارهای مالی دولتها - ۱۹۸۴، به طور کلی رشد هزینه‌های دولتها که در اواخر دهه ۷۰ با رشد اقتصادی مساوی شده بود، در ابتدای دهه ۸۰ از آن پیشی گرفت.

در کشورهای صنعتی، در سال ۱۹۸۳، ترکیب هزینه‌های دولتها در تمامی سطوح به بیش از ۴۵٪ محصول ناخالص داخلی (GDP)*** رسید. این رقم ۴٪ نسبت به سال ۱۹۷۹ و ۸/۳٪ نسبت به سال ۱۹۷۹ افزایش پیدا کرده است (به جدول مراجعه نمایید). چنین رشدی در کل هزینه‌های عمومی - شامل مخارج و پرداخت وام، منهای بازپرداختهای دولتهای مرکزی، ایالتی و محلی - از طریق همان مقدار افزایش در مالیات بردرآمد و کسری مالی، به همراه افزایش قابل ملاحظه درآمدهای غیر مالیاتی، تأمین شد. در نتیجه متوسط نسبت مالیات در کشورهای صنعتی در سال ۸۲ به ۳۴٪، و متوسط نسبت کسری به ۵/۳٪ محصول ناخالص داخلی رسید.

به موازات این پدیده در کشورهای صنعتی، به طور متوسط کل هزینه‌های دولت در کشورهای در حال توسعه غیر صادرکننده نفت نیز افزایش نشان می‌دهد و در سال ۱۹۸۱ به ۳۱/۵٪ محصول ناخالص داخلی رسید - در مقایسه با ۲۷٪ در ۱۹۷۴. در این کشورها در همین سال، متوسط نسبت

***Fund Data Show Public Outlays Outpacing Real Economic Growth." IMF Survey. March 4, 1985, P.P. 65-79.

** در این مقاله همهجا "اطلاعات" مجازاً "در مقابل data قرار داده شده است.

*** محصول ناخالص داخلی = تولید ناخالص داخلی = G.D.P.

مالیات به ۲۰/۲ و کسری به ۵/۷٪ محصول ناخالص داخلی رسید. متوسط هزینه‌های دولتها در کل جهان در سال ۱۹۸۱، برابر ۴۱/۲٪، نسبت مالیات ۳۰/۶، درآمدهای غیرمالیاتی ۵/۸، و میزان کسری ۴/۷٪ محصول ناخالص داخلی بوده است.

در میان کشورهای صنعتی، بیشترین افزایش هزینه نسبت به محصول ناخالص داخلی در بین سالهای ۱۹۷۹ و ۱۹۸۲ برای کشور سوئد به میزان ۸٪، و پس از آن، به ترتیب برای فرانسه و بلژیک ۷٪، دانمارک و اسپانیا ۶٪ ثبت شده است. این افزایش برای آمریکا (= ایالات متحده) و جمهوری فدرال آلمان برابر ۴٪ و برای انگلستان ۳٪ محصول ناخالص داخلی بوده است. تنها، کشور نروژ کاهش قابل توجهی در هزینه‌های عمومی داشته - از ۶۳/۲٪ در سال ۱۹۷۹ به ۵۲/۸٪ محصول ناخالص داخلی در ۱۹۸۲. اطلاعات مربوط به کشورهای در حال توسعه غیر صادرکننده نفت در آمریکای لاتین، نشان می‌دهد که به طور متوسط این کشورها با رشد قابل توجه هزینه‌های عمومی (نسبت به محصول ناخالص داخلی) روبرو بوده‌اند - از ۲۶٪ در ۱۹۷۹ به ۳۲/۹٪ در ۱۹۸۲. قسمتی از این افزایش به مکزیک (با افزایشی در حدود ۱۵٪) و برزیل (۶٪ محصول ناخالص داخلی) مربوط می‌شود.

در میان کشورهای صنعتی بیشترین میزان کسری نسبت به محصول ناخالص داخلی، به ترتیب برای ایرلند (۱۶/۱٪)، بلژیک (۱۳/۸٪)، و سوئد (۱۰٪) به ثبت رسیده است. در میان کشورهای در حال توسعه، جمهوری عربی یمن (۲۸/۸٪ در ۱۹۸۳) و پس از آن به ترتیب مالزی (۱۹/۴٪ در ۱۹۸۱)، اسرائیل (۱۹/۱٪ در ۱۹۸۱)، مکزیک (۱۷/۱٪ در ۱۹۸۲)، سریلانکا (۱۲/۵٪ در ۱۹۸۱) و مصر (۱۲/۵٪ در ۱۹۸۳)، دارای بیشترین میزان کسری بوده‌اند.

طبقه‌بندی مصرف‌کننده

اطلاعات مربوط به هزینه‌های دولتها در جهت مصارف یا مقاصد خاص که برای ۳۷ کشور جمع - آوری گردیده و برای اولین بار در کتاب سال آمارهای مالی دولتها - ۱۹۸۴، منتشر شده است، مقایسه میان میزان این هزینه‌ها (برحسب درصد نسبت به محصول ناخالص داخلی) را میان این کشورها امکانپذیر می‌سازد. در کشورهای صنعتی، مصرف هزینه‌های عمومی برای بهداشت، به طور کلی بالاتر از کشورهای در حال توسعه بوده است. میزان این هزینه از ۷/۷٪ (که مربوط به جمهوری فدرال آلمان در ۱۹۸۱ است) تا کمتر از ۱٪ محصول ناخالص داخلی (مربوط به هند و اندونزی در همان سال) در نوسان بوده است. آخرین آمارها نشان می‌دهد که در میان کشورهای صنعتی پس از آلمان، به ترتیب فرانسه (۶/۳٪)، سوئیس (۵/۸٪)، دانمارک (۵/۶٪)، و آمریکا (۴/۳٪ محصول ناخالص داخلی)، بالاترین میزان را صرف بهداشت نموده‌اند. این هزینه در حدود ۴٪ محصول ناخالص داخلی برای یونان، پاناما، و یوگسلاوی، و در سطح ۲ تا ۲/۵٪ برای شیلی، اسرائیل، کنیا، کویت، رومانی، تونس، جمهوری عربی یمن، و زیمبابوه و در سطح ۱ تا ۲٪ برای آرژانتین، جمهوری مرکزی آفریقا، مصر، مالاوی، عمان، سنگاپور، و سوازیلند گزارش شده است.

اگر میزان هزینه‌های عمومی آموزشی دولت‌ها را بسنجیم، تفاوت آشکاری میان کشورهای صنعتی و کشورهای در حال توسعه نمی‌بینیم. بالاترین میزان مربوط است به جمهوری غربی یمن (۸/۴٪) محصول ناخالص داخلی)، دانمارک (۷/۸)، اسرائیل (۶/۸)، شیلی (۶/۳)، و سنت وینسنت (۶٪)؛ و پایینترین میزان برای اندونزی (۲/۷)، آرژانتین (۲/۹) و هند (۳/۱٪) گزارش شده است. البته با این توجه که اطلاعات مربوط به دولتهای ایالتی و محلی هند در دست نبوده است. در میان کشورهای صنعتی، میزان هزینه آموزش از این قرار است: ایالات متحده و سوئیس حدود ۵/۳٪، فرانسه و آلمان غربی ۴/۴٪ محصول ناخالص داخلی.

شدیدترین تفاوت در میان کشورها، در زمینه هزینه برای تأمین و رفاه اجتماعی، و مسکن به چشم می‌خورد. آخرین آمار به دست آمده نشان می‌دهد که میزان هزینه در این مورد، از ۲۱٪ محصول ناخالص داخلی مربوط به دانمارک، فرانسه، آلمان غربی، و لولزامبورگ تا کمتر از ۱ تا ۲٪ مربوط به اکثر کشورهای آفریقایی و آسیایی در نوسان است. بین این دو سطح، ۱۶٪ مربوط به اسرائیل و شیلی، ۱۴٪ مربوط به یونان و مالت، ۱۲٪ مربوط به سوئیس، ۱۰/۵٪ مربوط به آمریکا، ۸٪ مربوط به آرژانتین، مصر، کویت، رومانی، یوگسلاوی، و سرانجام حدود ۵٪ مربوط به پاناما، تونس، و زیمبابوه گزارش شده است.

برعکس مورد یاد شده، هزینه‌های عمومی دولت برای کشاورزی، جنگلداری، ماهیگیری، و شکار به طور قابل توجهی در کشورهای در حال توسعه بالاتر از کشورهای صنعتی بوده است و بالاترین میزان برای کشور تونس (۵/۶٪ محصول ناخالص داخلی) و پس از آن مالای (۴/۴)، هند (۳/۶)، کوبا (۳/۳)، یونان (۲/۶)، و شیلی (۴٪) - که در پایینترین سطح قرار دارد - گزارش شده است. در میان کشورهای صنعتی، هزینه ۵/۸٪ برای آمریکا، ۵/۵٪ برای فرانسه و آلمان غربی، و ۱/۲٪ محصول ناخالص داخلی برای سوئیس بوده است. تمام این اطلاعات از آمار آخرین سالهایی که در دسترس بوده استخراج شده است.

اطلاعات مربوط به هزینه‌های دفاعی دولتهای ۱۱۰ کشور جهان برای اولین بار در کتاب سال ۱۹۸۴، برحسب درصد نسبت به محصول ناخالص داخلی درج شده است. این اطلاعات نشان دهنده افزایش قابل توجه هزینه‌های دفاعی در تمام کشورهاست - به طور متوسط در سطح جهان در سال ۱۹۸۲، ۴٪ محصول ناخالص داخلی در مقایسه با ۳/۵٪ در سال ۱۹۷۹ و ۴/۱٪ در سال ۱۹۷۲. رشد هزینه‌های دفاعی در میان کشورهای صنعتی از ۱۹۷۹ تا ۱۹۸۳، کاملاً چشمگیر بوده است، به طوری که این نسبت برای این کشورها به طور متوسط ۴/۲٪ محصول ناخالص داخلی در ۱۹۸۲ بوده است. هزینه‌های دفاعی در ۱۹۸۲ در دامنه‌ای از ۵/۹٪ محصول ناخالص داخلی مربوط به آمریکا (۶/۲٪ در سال ۱۹۸۳)، تا حدود ۳٪ در فرانسه، جمهوری فدرال آلمان، هلند، نروژ، سوئد و کمی کمتر از ۲٪ در ایتالیا و کانادا قرار داشته است. این هزینه در دیگر کشورهای جهان، به طور نسبی، در ۱۹۸۲ ثابت مانده و به طور متوسط حدود ۳/۶٪ برای کشورهای صادرکننده نفت و ۱۳/۱٪ برای کشورهای در

حال، توسط غیرنفتی خاورمیانه و $3/8\%$ برای آسیا و $1/3\%$ محصول ناخالص داخلی برای امریکای لاتین و آسیای جنوبی بوده است.

عملکرد مالی دولتهای مرکزی

اگرچه بیشتر اطلاعات مهم عملکرد مالی دولتهای ایالتی و محلی در گزارشهای کشورها منعکس شده است، با وجود این، اطلاعات مربوط به دولتهای مرکزی که برای بیشتر کشورهای جهان در دسترس است، بسیار محدود می‌دهد که تحلیلهایی در این زمینه ارائه دهیم. در کتاب سال آمار مالی دولتها - ۱۹۸۴، به همراه اطلاعات دولتهای محلی و ایالتی ۷۴ کشور جهان، اطلاعات دولتهای مرکزی ۱۲۵ کشور نیز در زمینه‌های مختلف در بین سالهای ۱۹۸۲ و ۱۹۸۳ درج شده است. این آمار نشان می‌دهد که کسری دولتها (که می‌توان آن را روسترین شاخص عملکرد مالی دولتها به شمار آورد) از نظر وسعت و مقدار، افزایش چشمگیری در سال ۱۹۸۲ داشته است. متوسط کسری جهان در این سال به $4/9\%$ محصول ناخالص داخلی رسید - در مقایسه با $4/1\%$ در سال ۱۹۸۱ و $2/3\%$ در سال ۱۹۷۹ - این میزان از اوج ثبت شده $4/3\%$ سال ۱۹۷۵ نیز فراتر رفته است. افزایش، تقریباً در همه جا و در میان همه گروه کشورهای اوقات افتاد، به طور متوسط $4/6\%$ برای کشورهای صنعتی، $6/3\%$ برای کشورهای در حال توسعه غیر نفتی و $2/7\%$ محصول ناخالص داخلی برای کشورهای صادر کننده نفت. از نظر منطقه‌ای $14/3\%$ محصول ناخالص داخلی برای خاورمیانه و 7% برای امریکای لاتین، و $5/6\%$ برای آسیای جنوبی شده است. بقیه کشورهایی که آمار آنها در دست بوده است، در سال ۱۹۸۲، بالاتر از 4% محصول ناخالص داخلی کسری داشته‌اند (در مقایسه یا سهمی از کشورها در سال قبل از آن و $1/5$ کشورها در ۱۹۷۴). در سال ۱۹۸۲ تنها ۸ کشور، مازاد گزارش کرده‌اند (در مقایسه با ۱۳ کشور در سال ۸۱) یعنی کمتر از هر سال در دهه گذشته. آمار سال ۱۹۸۳ نشان دهنده افزایش کسری دولتهای مرکزی در کشورهای صنعتی بوده است. این میزان برای آمریکا $6/3\%$ ، ایالات $13/5\%$ - سوند $10/4\%$ ، ژاپن $9/3\%$ ، و برای فرانسه $3/8\%$ محصول ناخالص داخلی به ثبت رسیده است.

روند هزینه‌ها

همان‌طور که سیر حسودی هزینه‌ها و درآمدها به وسیله آمارهای مربوط به عملکرد مالی دولتها براساس درصد نسبت به محصول ناخالص داخلی مشخص شده، می‌توان از آمار جزئیتر مستخرج شده نیز، اطلاعات ارزشمندی در مورد تغییر در ترکیب هزینه‌ها و درآمدهای دولتهای مرکزی به دست آورد. تغییرهای اعلام هزینه برای مساهل و گروههای مختلف کشورها، ثابت نبوده و تفاوتی در این زمینه وجود ندارد. سهم هزینه‌های دفاعی - چنان که قبلاً هم نسبت به محصول ناخالص داخلی سنجیده شد - در کشورهای صنعتی، در کل هزینه‌های دولت افزایش یافته است - از $13/6\%$ در ۱۹۸۱ به $14/2\%$ در ۱۹۸۲. اما این سهم در کشورهای در حال توسعه غیرنفتی سیر نزولی داشته است - از $14/1\%$ در ۱۹۸۱ به $13/5\%$ در سال ۱۹۸۲. هزینه‌های مربوط به تأمین و رفاه اجتماعی در سالهای

اخیر سهم به نسبت ثابتی در کل هزینه‌های دولت داشته است. به طور متوسط ۳۷/۹٪ در کشورهای صنعتی، ۱۵/۲٪ در کشورهای در حال توسعه غیر نفتی و ۴/۸٪ در کشورهای صادرکننده نفت. اما سهم هزینه‌های تأمین و رفاه اجتماعی در کل هزینه‌های دولت در کشورهای آمریکای لاتین دارای تغییرهای چشمگیری بوده است، به طوری که در مورد آرژانتین و مکزیک کاهش قابل توجه و در مورد شیلی و پاراگوئه افزایش قابل توجه، داشته است.

سهم آموزش در کل هزینه‌های دولتها، همچنان به سیر نزولی بی‌وقفه خود ادامه داد. این سهم به طور متوسط در جهان به سطح ۵/۴٪ در ۱۹۸۲ رسیده است - در مقایسه با ۵/۸٪ در ۱۹۸۱ و ۶/۹٪ در ۱۹۷۶. اما همین سهم در بعضی از مناطق جهان بویژه در میان کشورهای در حال توسعه غیرنفتی در آسیا و خاورمیانه افزایش چشمگیری داشته و برعکس در کشورهای صنعتی، کشورهای صادرکننده نفت، و کشورهای غیرنفتی آفریقا و آمریکای لاتین این سهم دچار کاهش شده است.

هزینه بهداشت تا سال ۱۹۷۹ به طور متوسط سالانه در سطح جهان، ۹/۸٪ از کل هزینه‌های دولتها را به خود جذب نموده است. متوسط این قلم برای کشورهای صنعتی ۱۱/۵٪ از کل هزینه دولتی بوده که تقریباً سه برابر این سهم در کشورهای در حال توسعه غیرنفتی (۳/۹٪) است. در سال ۱۹۸۲ در کشورهای صنعتی و آفریقایی، این رقم کمی کاهش یافته، ولی در کشورهای آسیایی و غیرصنعتی اروپا و خاورمیانه افزایش قابل توجه داشته است.

سهمی از کل هزینه‌های عمومی که به امر خدمات اقتصادی اختصاص یافته، همچنان به سیر نزولی همه جانبه خود ادامه داده است، به طوری که در ۱۹۸۲، متوسط جهانی آن به ۱۲/۶٪ رسید، در حالی که سال قبل از آن این میزان ۱۳/۳ و در ۱۹۷۴، ۱۴/۵٪ از کل هزینه‌های دولت بوده است. این سیر نزولی تقریباً جهانی بوده است، و در میان کشورهای صنعتی و کشورهای غیرنفتی آسیایی و آمریکای لاتین و همچنین (اگر چه به میزان کمتر) در کشورهای آفریقایی اتفاق افتاده است. این سهم در کشورهای صادرکننده نفت، بیش از دو برابر کشورهای مختلف خدمات اقتصادی از قبیل راهسازی، کشاورزی، جنگلداری، شکار و ماهیگیری نسبت به کل هزینه‌های دولتها در کل دارای روند نزولی بوده‌اند. سهمی از کل هزینه‌ها که به راهسازی اختصاص یافته همچنان به سیر نزولی بلند مدت خود ادامه داد، و متوسط جهانی آن در این سال به ۱/۶٪ رسیده است - در مقایسه با ۲/۷٪ در ۱۹۷۶. اگرچه متوسط سهم این قلم در کشورهای صادرکننده نفت، کشورهای صنعتی و کشورهای در حال توسعه غیرنفتی کاهش داشته است، اما این کاهش، بیشتر به کشورهای صنعتی و کشورهای غیرنفتی آمریکای لاتین مربوط می‌شود. در دیگر مناطق، تقریباً وضعی مختلط وجود داشته است. هزینه‌های سایر اقلام خدمات اقتصادی، از قبیل کشاورزی، جنگلداری، شکار و ماهیگیری، در کشورهای در حال توسعه غیر نفتی دچار کاهش شده است - از ۵/۸٪ نسبت به کل هزینه‌های دولت در سال ۸۱ به ۵/۱٪ در سال ۸۲. اما به طور کلی، متوسط جهانی این اقلام از ۲/۴٪ در سال ۸۱ به ۲/۷٪ در سال ۸۲ افزایش یافته است. قسمتی از این افزایش مربوط است به بالا رفتن سهم هزینه‌های مربوط به کشاورزی در آمریکا که

◀

از ۱/۳٪ در ۱۹۸۱ به ۲/۳٪ در سال ۱۹۸۲ (و پس از آن ۳٪ در ۱۹۸۳) رسیده است .

افزایش در بازپرداخت وامها از طرف دولتها ، کاهش در هزینههای مربوط به سایر عملکردهای دولتها - جدا از آنچه که در بالا ذکر شد - را جبران نموده است . در این مورد ، در پایین بحث می شود .

طبقه بندی اقتصادی هزینهها

از کل هزینههای دولتها در سال ۱۹۸۲ ، به طور متوسط ۴۸/۹٪ مخارج مزبور به سوبسیدها و سایر پرداختهای انتقالی جاری ، ۱۳/۴٪ حقوق و دستمزد ، ۱۴/۴٪ خریدهای جاری کالا و خدمات ، ۸/۶٪ هزینههای سرمایه‌ای ، ۹/۳٪ بازپرداخت وامها و ۵/۴٪ پرداخت وام منهای بازپرداختها و دیگر اقلام هزینه ، بوده است .

افزایش کوچکی در متوسط سهم هزینههای مربوط به سوبسیدها و سایر پرداختهای انتقالی جاری در کل هزینههای دولتی در سال ۱۹۸۲ به چشم می خورد . این افزایش بیشتر به جهان خارج از کشورهای صادر کننده نفت ، و بویژه به کشورهای صنعتی و کشورهای غیرنفتی آفریقا مربوط می شود . به علت اهمیت مسئله تأمین و رفاه اجتماعی نزد دولتها ، پرداختهای انتقالی جاری همچنان به سیر صعودی خود ادامه داده اند . به طوری که در کشورهای صنعتی ، سهم این قلم در کل هزینهها که به طور متوسط ۵/۵٪ است به بیش از دو برابر این نسبت در کشورهای آسیایی (۲۳٪) و آفریقایی (۲۵٪) ، و به بیش از سه برابر کشورهای صادر کننده نفت (۱۵٪) رسیده است . در میان کشورهای غیرنفتی آمریکای لاتین ، پرداختهای انتقالی جاری نسبت به کل هزینههای عمومی در شیلی ، اوروگوئه و برزیل $\frac{1}{۳}$ ، در آرژانتین ، کلمبیا ، کستاریکا و مکزیک $\frac{1}{۳}$ و در سایر کشورهای این منطقه بسیار کمتر از این مقدار بوده است .

کاهش طولانی مدت در متوسط سهم حقوقها در کل هزینههای دولت در ۱۹۸۲ نیز ادامه داشته است . در همه کشورهای صنعتی ، به جز آمریکا و لوگزامبورگ ، وضع به این منوال بوده است ، و ترتیبی از کاهش و افزایش در کشورهای در حال توسعه به چشم می خورد . حقوق و دستمزد در کشورهای در حال توسعه غیرنفتی از اهمیت بیشتری برخوردار بوده (حداکثر ۲۵٪ از کل هزینههای دولتی) تا کشورهای صنعتی (۱۲٪) .

پرداخت بهره وام ، سهم بیشتری از هزینههای دولتی را در سال ۱۹۸۲ (در مقایسه با سالهای قبل از آن) به خود جذب نموده است ، و برای اولین بار ، در سال ۱۹۸۲ از سهم هزینههای سرمایه‌ای در کل هزینههای دولت در سطح جهانی پیشتر افتاده است - ۹/۳٪ در ۱۹۸۲ در قیاس با ۸/۳٪ در ۱۹۸۱ و ۵/۶٪ در ۱۹۷۶ . به طور کلی این افزایش در همه مناطق و گروه کشورهای اتفاق افتاده است ، در کشورهای صنعتی این نسبت به ۹/۲ ، در کشورهای در حال توسعه غیرنفتی به ۱۱/۱ ، و در کشورهای صادرکننده نفت به ۳/۹٪ رسید . در میان کشورهای صنعتی ، سهم پرداخت وام به ترتیب برای آمریکا و کانادا ۱۲/۵٪ ، برای دانمارک ، زلاندنو ، سوئد ، و انگلستان ۱۰٪ ، و برای فرانسه

و جمهوری فدرال آلمان سه مرتبه ۳ و ۴٪ محاسبه شده است. پرداخت بهره وام در این سال ۱۵٪ از کل هزینه دولت را در آرژانتین، سولیبوی، غنا، ایرلند، اسرائیل، مالاوی، موریتس، پرو، و پاناما تشکیل داده است.

روایت نزولی طولانی مدت هزینه‌های سرمایه‌ای در تمام کشورها، به جز کشورهای صادرکننده نفت. در سال ۱۹۸۲ نیز همچنان ادامه یافته است. کاهش این قلم در سطح جهان که برای تقریباً تمامی کشورهای صنعتی و کشورهای در حال توسعه غیرنفتی آمریکای لاتین و خاورمیانه بدست رسیده است، دو برابر افزایش آن در کشورهای صادرکننده نفت بوده است. متوسط جهانی این قلم در سال ۱۹۸۲ به ۸/۶٪ کل هزینه‌های دولتی رسید، در حالی که این رقم در سال ۱۹۷۶ برابر ۳/۱۵٪ بوده است. به طور متوسط، سهم هزینه‌های سرمایه‌ای در کشورهای در حال توسعه غیرنفتی به میزان ۵/۱۵٪ رسد که حدوداً سه برابر این میزان در کشورهای صنعتی (۵/۳۵٪) و نصف این میزان در کشورهای صادرکننده نفت (۶/۲۱٪) بوده است.

درآمدها

سهم ناشی از مالیات بر درآمد و سود در کل درآمدهای دولت در سال ۱۹۸۲؛ کاهش نسبی نسبت به سالهای قبل پیدا نمود و به سطح ۳۴/۷٪ (متوسط جهانی) سقوط نمود. در قبایل ۳۶/۳٪ در ۱۹۷۷، بیشتر این کاهش به کشورهای صنعتی، کشورهای صادرکننده نفت و کشورهای در حال توسعه غیرنفتی در آفریقا و خاورمیانه مربوط می‌شود. در حالی که این میزان در کشورهای در حال توسعه غیرنفتی آسیا و آمریکای لاتین کمی افزایش نشان می‌دهد. در میان کشورهای صنعتی از این نظر ناهمگونیهایی مشاهده می‌شود. در آمریکا، مالیات بر درآمد و سود، از ۵۸٪ در سال ۱۹۷۹ به ۴۹/۹٪ در ۱۹۸۳ نزول کرده، ولی در ایتالیا این نسبت از ۲۴/۲٪ در سال ۱۹۷۶ به ۳۵/۶٪ در سال ۱۹۸۳ افزایش یافته است. میانگین سهم مالیات بر درآمد و سود در کل درآمدهای دولتها، در کشورهای صنعتی در ۱۹۸۲ (۳۷/۹٪) کمی کمتر از همین سهم در کشورهای صادرکننده نفت (۴۲/۲٪) و نزدیک به دو برابر کشورهای در حال توسعه غیرنفتی (۶/۲۵٪) بوده است.

مشارکت در تأمین اجتماعی، به عنوان درمندی از کل درآمدها، در کشورهای صنعتی افزایش یافته و از ۳۱/۹٪، ۱۹۸۱ به ۳۲/۸٪ در سال ۱۹۸۲ رسیده است. این افزایش تقریباً در تمامی کشورهای صنعتی و به طور قابل توجه در آمریکا (از ۲۷/۷٪ در ۱۹۷۹ به ۳۱/۳٪ در سال ۱۹۸۳) مشاهده می‌شود. در میان کشورهای غیرصنعتی، در این مورد ناهمگونیهایی وجود دارد، به طوری که با وجود افزایش در بعضی از کشورهای غیرصنعتی، در اکثر کشورهای آسیایی، آفریقایی، و صادرکننده نفت، این سهم ناچیز، و در کشورهای آمریکای لاتین، دارای سیر نزولی بوده است. این سهم در کشورهای آمریکای لاتین از ۲۴/۱٪ در سال ۱۹۷۶ به ۱۸/۵٪ در سال ۱۹۸۲ نزول نموده که سهم عمده این کاهش به آرژانتین و شیلی مربوط می‌شود.

در سال ۱۹۸۲ در زمینه سهم درآمدهای داخلی ناشی از مالیات بر کالا و خدمات در کل درآمدها، تغییر کلی مشاهده می‌شود. متوسطی در حدود ۱۷٪ در کشورهای صنعتی، ۳۲٪

در کشورهای در حال توسعه غیرنفتی و کمتر از ۵٪ در کشورهای صادرکننده نفت. اما اختلافهای منطقه‌ای در این زمینه وجود دارد. برای مثال، متوسط این سهم در آفریقا از ۲۴/۴٪ در سال ۱۹۷۶ به ۲۷/۴٪ در سال ۱۹۸۲ رسیده است، در حالی که در آسیا، این سهم کاهش داشته و از ۳۹/۱٪ در سال ۱۹۷۶ به ۳۷٪ در سال ۱۹۸۲ نزول نموده است. این ناهمگونی در میان کشورهای یک منطقه یا عضو گروه نیز مشاهده می‌شود. به طوری که مالیات بر کالاها و خدمات داخلی به طور قابل توجهی در فرانسه، آلمان غربی و ایتالیا کاهش یافته و برعکس، به شکل چشمگیری در کانادا، فنلاند، و انگلستان افزایش داشته است. به همین شکل در آمریکای لاتین، سهم مالیات بر کالاها و خدمات داخلی کل درآمدهای دولت در بین سالهای ۱۹۷۶ و ۱۹۸۲، در برزیل و مکزیک کاهش یافته ولی به طور قابل توجهی در آرژانتین (از ۲۱/۳ به ۴۴/۶٪) و جمهوری دومینیکن (از ۲۱/۲ به ۳۲/۳٪) افزایش یافته است.

مالیات بر معامله‌ها و تجارت خارجی، به عنوان درصدی از کل درآمدهای دولت، همچنان به سیر نزولی طولانی خود در (تقریباً) همه کشورهای صنعتی ادامه داده است (به طور متوسط از ۲٪ در سال ۱۹۷۶ به ۱۱/۳٪ در سال ۱۹۸۲). تغییرهای این سهم در میان کشورهای در حال توسعه غیرنفتی مختلط و متوسط آن در ۱۹۸۲ برای این کشورها برابر ۱۷/۲٪ بوده است. مالیات بر معامله‌ها و تجارت خارجی، دارای بیشترین اهمیت نزد کشورهای در حال توسعه غیرنفتی آفریقا و آسیا بوده است، چنان که به طور متوسط، این قلم ۲۱٪ از کل درآمدهای دولت در این کشورها را تشکیل داده است، و تقریباً به میزان کمتر نزد کشورهای در حال توسعه غیر نفتی خاورمیانه و آمریکای لاتین، با سهمی در حدود ۱۴ تا ۱۵٪ متوسط این سهم برای کشورهای صادرکننده نفت تنها ۸/۲٪ بوده است.

درآمدهای غیرمالیاتی، همچنان رشد طولانی مدت خود را در سال ۱۹۸۲ نیز حفظ نموده‌اند، با متوسط جهانی ۱۱/۸٪ در قیاس با ۱۱/۵٪ در سال قبل از آن و ۹/۹٪ در سال ۱۹۷۶. این افزایش تقریباً میان همه کشورهای صنعتی و بویژه آمریکا (از ۷٪ در ۱۹۷۶ به ۱۱/۱٪ در ۱۹۸۳) و میان کشورهای در حال توسعه غیرنفتی آمریکای لاتین (از ۸/۸٪ در ۱۹۷۶ به ۱۷٪ در ۱۹۸۲) مشاهده می‌شود. در برزیل، سهم درآمدهای غیرمالیاتی در کل درآمدها از ۷/۳٪ در سال ۱۹۷۶ به ۲۴/۷٪ در سال ۱۹۸۲ افزایش یافته است. متوسط این سهم در سال ۱۹۸۲ در کشورهای صادرکننده نفت نسبت به سایر کشورها، بالاترین رقم را داراست (۴۵/۶٪)، و برای سایر کشورهای خاور میانه، این رقم ۳۱/۶٪ بوده است.

در پایان، آمار نشان می‌دهد که در سال ۱۹۸۲ دولتهای مرکزی در ۴۰ کشور، کمکهایی - از دولتهای سایر کشورها، یا از نهادهای رسمی - حدود بیشتر از ۵٪ از درآمدهایشان دریافت کرده‌اند. از این ۴۰ کشور، ۲۱ کشور در آفریقا، ۸ کشور در آسیا، ۶ کشور در آمریکای لاتین و ۵ کشور در خاورمیانه قرار داشته‌اند. متوسط منطقه‌ای کمک، به عنوان درصدی از کل درآمدهای دولتی، در دامنه‌ای از ۱۳/۳٪ در کشورهای در حال توسعه غیرنفتی خاورمیانه در سال ۱۹۸۲ (در قیاس با ۲۷/۷٪ در ۱۹۷۹)، تا ۵/۷٪ در آفریقا، ۳/۳٪ در آسیا و ۵/۶٪ در کشورهای آمریکای لاتین قرار داشته است.

